

وقتی حذف اضافه کاری به فاجعه تبدیل می شود!

کمیته هماهنگی

یکشنبه ۳ خرداد ۱۳۸۸

اضافه کاری جنایتی است سهمگین اضافه بر تمامی جنایات دیگر که صاحبان سرمایه و نظام کارگرکش سرمایه داری بر توده های کارگر تحمیل می کنند. کارگری که در جهنم سرمایه داری ایران در طول هر شبانه روز ۸ ساعت برای سرمایه داران خصوصی یا دولت سرمایه داری کار می کند، در بهترین حالت در قبال کل این ۸ ساعت فقط ارزشی معادل ۴۰ دقیقه را به خود یعنی به بازتولید نیروی کار خود یا امرار معاش خود و خانواده اش اختصاص می دهد. آنچه او به صورت دستمزد دریافت می کند صرفاً ارزشی معادل این ۴۰ دقیقه کار است و در نتیجه تمامی ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه دیگر را به طور کاملاً رایگان و بدون دریافت هیچ ریالی برای سرمایه دار کار می کند. به بیان دقیق تر و واضح تر، حاصل کار همه این ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه یگراست به ارزش اضافی یا همان سود سرمایه دار تبدیل می شود. مسأله اضافه کاری وسعت، عمق، شدت و درجه توحش این استثمار را بازم جنایتکارانه تر، سبعانه تر و مرگبارتر می کند. سرمایه دار در قبال ساعات اضافه کاری کارگران جز افزایش مواد اولیه به هیچ افزایش دیگری در بخش ثابت سرمایه خود نیاز ندارد. فقط مصرف بسیاراندک آب و برق و گاز و استهلاک بسیارناچیز ماشین آلات و ساختمان در ساعات اضافه کاری را باید هزینه کند، وگرنه هیچ ماشین آلات جدیدی نمی خرد، به هیچ ساختمان و سالن و کارگاه تازه ای نیاز ندارد، مجبور به اضافه کردن هیچ سرویس حمل و نقلی نیست، هیچ نوع حق بیمه اضافه ای برای کارگران نمی پردازد و هیچ ریالی به حق بازنشستگی کارگران اضافه نمی کند. کل این عوامل و داده ها سبب می شود که سرمایه داران در ازای ساعات اضافه کاری هر کارگری هم نرخ سود سرمایه های خود را به صورت بسیار چشمگیری بالا برند و هم بر شدت استثمار کارگران به گونه ای هولناک بیفزایند، به طوری که (در صورت ۶ ساعت اضافه کاری روزانه) اگر مثلاً به ۴۰ دقیقه سهم کارگر ۲۰ دقیقه اضافه شود به ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه سهم سرمایه دار ۵ ساعت و ۴۰ دقیقه اضافه می شود. به عبارت دیگر، در حالت اضافه کاری، از مجموع ۱۴ ساعت کار روزانه، مزد کارگر فقط معادل یک ساعت و سود سرمایه دار معادل ۱۳ ساعت می شود. یعنی، در حالت اضافه کاری، نرخ استثمار ۱۲۰۰ درصدی (۱۲ برابری) به نرخ استثمار ۱۳۰۰ درصدی (۱۳ برابری) تبدیل می شود. سرمایه داران و دولت های سرمایه داری در سراسر دنیا و بیشتر از همه جا در جوامعی مانند ایران بیشترین اضافه کاری ها را بر کرده توده های کارگر بار می کنند تا از طریق توسعه انفجارآمیز استثمار بخش شاغل بردگان مزدی شمار این کارگران را به حداقل برسانند و خود را حتی الامکان از استخدام نیروی کار تازه بی نیاز گردانند. آنان در این گذر و با توسل به این جنایت فاحش، کل روزانه کار متعارف ۳ کارگر را بر دوش ۲ کارگر می اندازند. سودی که به طور معمول از استثمار ۳ کارگر به چنگ می آورند با استثمار ۲ کارگر نصیب خود می سازند. آنان در همین راستا نیاز خود به کارگاه بیشتر و ماشین آلات انبوه تر و سرویس های حمل و نقل کثیرتر و بسیاری از مایحتاج دیگر روند کار و تولید را کاهش می دهند. صاحبان سرمایه همراه با همه این صرفه جوئی ها، این تقلاهای کثیف و شوم برای افزایش نرخ استثمارها و نرخ سودها،

صفوف بسیار طولانی کارگران بیکار را باز هم طولانی تر و طولانی تر می سازند. آنان از همین طریق رقابت هولناک درون توده های کارگر گرسنه و نفرین شده بیکار برای یافتن کار را هر چه بیشتر تشدید می کنند و آن ها را در چنان شرائط دهشتناکی قرار می دهند که به فروش هر چه ارزان تر و شبه رایگان تر نیروی کار خود رضایت دهند. سرمایه داران با تحمیل اضافه کاری ها بر کارگران به تمامی این خون آشامی ها دست می زنند و کلیه این اهداف کثیف و تبهکارانه را دنبال می نمایند.

افزون بر این ها، در نظام سرمایه داری حتی زمان کار روزانه متعارف عاملی وحشتناک در فرسایش بدون هیچ مرز و محدوده توان جسمی و فکری و قوای دماغی توده های کارگر است. همین زمان کار روزانه رایج سده عظیم بر سر راه آسایش لازم بدنی و پرورش و رشد و بالندگی وضعیت روحی و قوای فکری کارگران است. کارگری که ۸ ساعت کار می کند و استثمار می شود و زجر می کشد و می فرساید و از هستی ساقط می شود هیچ فرصتی برای راحت جسم و فکر و آموزش و رشد و اعتلای قدرت تفکر و خلاقیت و دانش خود پیدا نمی کند. اضافه کاری به طور کلی و به هر میزان، چه رسد به ساعت های ممتد آن، این فاجعه را باز هم هولناک تر و کشنده تر و تحمل ناپذیرتر می کند. اضافه کاری شیرازه هستی کارگران و روابط متعارف عاطفی و اخلاقی و انسانی و اجتماعی آن ها با افراد آشنا و انسان های دیگر را متلاشی می سازد. اضافه کاری فاجعه ای عظیم برای توده های کارگر است و تحمل این فاجعه شوم از سوی کارگران گواه شرایط جهنمی انسان ستیزانه ای است که سرمایه داری بر آن ها تحمیل کرده است. کارگری که اضافه کاری را قبول می کند برای پرهیز از خطر حتمی گرسنگی و تحمل ذلت و مرگ ناشی از نداری خود و خانواده اش خویشتن را از همان ساعات ناچیز استراحت نیز محروم می کند. از این هم هولناک تر، با توجه به این که کارگاه های ایران به علت فقدان کامل ایمنی بیشتر به سلاح خانه شبیه هستند تا به کارگاه و با در نظر گرفتن این که خستگی کارگر در اثر اضافه کاری دقت او را کمتر و امکان دچار شدن او را به سانحه بیشتر می کند کارگری که اضافه کاری را قبول می کند خود را بیش از پیش در معرض مرگ یا دست کم معلولیت قرار می دهد و خانواده اش را از وجود تنها نان آور خود محروم می کند. قبول اضافه کاری از سوی توده های کارگر گواه سلطه بالاترین میزان توحش و سفاکی و درندگی سرمایه بر هست و نیست آنان است. گواه آن است که سرمایه شدت استثمار و میزان بی حقوقی و ستمکشی کارگران را تا جایی بالا برده است که آنان دیگر با فروش متعارف نیروی کار خود مطلقاً قادر به ادامه معاش و بازتولید نیروی کارشان برای فروش مجدد نیستند. گواه آن است که شدت بربریت سرمایه تا جایی است که کارگر از کل عمر و زندگی و همه چیز خود چشم می پوشد و به هر نوع سلاخی تن می دهد تا شاید مرگ محتوم ناشی از گرسنگی فرزند یا فرزندانش را به تعویق اندازد. گواه آن است که درندگی و توحش سرمایه به جایی رسیده است که کارگر با آن که مرگ خود در اثر سانحه هنگام کار را به چشم می بیند اما چاره ای جز سپردن جسم و جان خود به تیغ بیرحم سرمایه ندارد. فاجعه اضافه کاری تا این حد عظیم و وحشتناک است. حال برای لحظه ای به این بیندیشیم که در جهنم سراسر وحشت و دهشت و مرگ سرمایه داری ایران قبول همین فاجعه سیاه انسانی برای کارگران تبدیل به غنیمتی سترگ و درچه ای به سوی حیات می شود!! کارگران مجبورند برای گرفتن ساعات اضافه کاری به هر دری بزنند و از طول زمان آن به هر میزان که باشد با آغوش باز استقبال کنند!! کارگران کارخانه دنیای فلز مثل میلیون ها کارگر دیگر همسرنوشت خویش در ایران دقیقاً

در چنین وضعی قرار دارند. این کارگران تا چند روز پیش هر کدام در هر شبانه روز ۶ ساعت اضافه کاری می کردند. آنان هر روز ۱۴ ساعت در بدترین شرایط کار می کردند و با نرخ استثماری ۱۳۰۰ درصدی استثمار می شدند و اینک سرمایه دار به دلیل کاهش رونق بازار فروش، اضافه کاری ها را حذف کرده است. این امر یعنی حذف اضافه کاری ها برای کارگران تبدیل به فاجعه ای بزرگ شده است!! کارگران از این که دیگر با نرخ استثمار ۱۳۰۰ درصدی استثمار نمی شوند و مجبورند به زمان کار و استثمار کمتری تن دردهند عزا گرفته اند!! سرمایه داری ایران می خواهد تحمل سهمگین ترین، فرساینده ترین، مرگبارترین و ننگین ترین میزان توحش را به تنها راه ادامه زندگی بردگان مزدی دوزخ نشین و داغ لعنت خورده تبدیل کند. آیا می تواند؟

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۳ خرداد ۱۳۸۸

www.hamaahangi.com

khbitkzs@gmail.com